



۲۰۱۶/۰۴/۲۸



حمید انوری

هشتم ثور، تخم حرام هفتم ثور و نگاهی بر چرندیات "عبدالرحمن فرقانی"

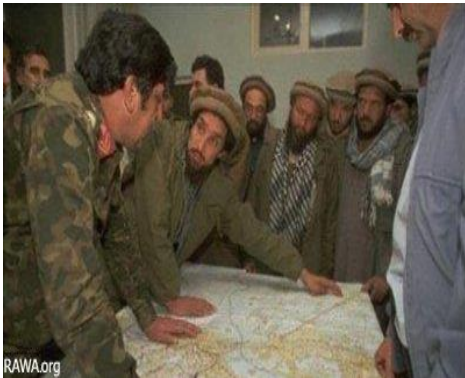


کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷، با تمام وحشت و دهشت و بگير و ببند، با تمام پستی و پلشتی و کشتار، چنان خونین و ننگین بود و چنان در مزدوری به بیگانه، ددمشانه خون ریختند که تاریخ نظیر آنرا هرگز به یاد نداشته است.

این زنا زادگان تاریخ، نه تنها از کشته های مردم مظلوم افغانستان، پشته ها ساختند، بلکه همدیگر را نیز سر بریدند و شکم دریدند و در دخمه های وحشتناک زندان های مرکز و ولایات و در شعبات متعدد تحقیق و ریاست های متعدد "اگسا" و "کام" و "خاد" و "واد"، چنان رفقای حزبی خود را زیر شکنجه گرفتند و به ناموس شان تعرض کردند و دمار از روزگار شان بدر آوردند که مشاورین روسی شان از وحشت، انگشت حیرت به دهان گزیدند.

از همان نخستین ساعات کودتای خونین و ننگین هفتم ثور، از همان روز ننگین و خونین و سیه، تا همین دقایق که بیشتر از سه دهه از آن کودتای منحوس میگذرد، کشور آبائی و مردم آزاده ما، حتی یک روز هم روی آرامش را ندیده اند و مسؤول مستقیم این همه بدبختی و دربردی و آوارگی و جنگ و ظلم و وحشت و چور و چپاول و خونریزی و ویرانی و، فقط و فقط یک مشمت کودتاچی خلقی و پرچمی بوده اند. و اما باید گفت که حاصل همان کودتای منحوس هفتم ثور، بر علاوه تخریب سیستماتیک زیربنا های اقتصادی و فرهنگی یک کشور و علاوه بر کشتار بیشتر از یک و نیم ملیون افغان بی دفاع و علاوه بر فرار بیش از پنج

ملیون افغان از کشور و هزار و یک مصیبت دیگر، سر برآوردن گلبدین ها و قطب الدین ها بود که همه از هیچ به نوائی رسیدند و به بلیونر های بزرگ و جنایتکاران قرن مبدل گشتند و بلای جان مردم و مملکت شدند.



در آخرین روز های سقوط رژیم کودتا، بازهم همان کودتاچیان کار کشته دست به یک کودتای دیگر زدند و رهبر خود نجیب الله را به دام انداخته و خود با کودتاچیان هشتم ثوری دست بهم دادند و بار دیگر کشور را به خاک و خون کشیدند.

اینبار کودتاچیان هفتم ثوری در یک داد و معامله ننگین دیگر با یک مشت دزد و جنایتکار و نوکرمنش دیگر به حمله رفتند که حاصل آن پیوند نامقدس، مولود عجیب الخلقه ای بود با جسامت پندیده که سرش ازدها بود و دُم اش گاو وحشی. هفت به هشت تبدیل شد و جنایت و خیانت و وحشت، چور و چپاول و غارت و قتل و کشتار به اوج خود رسید. نام این مولود خبیثه را گذاشتند "جمهوری اسلامی". جانینان شرف باخته هفتم ثوری، کودتای دیگر خود را در هشتم ثور عیار نمودند و یک مشت دزد و غارتگر و جانی و جنایت پیشه دیگر را یاری کردند تا حمام خون در کشور براه اندازند، تا مگر جنایات هفتم ثوری ها فراموش اذهان مردم گردد. یک مشت خلقی با گلبدین و سیاف و امثال شان پیوستند و یک مشت پرچمی با برهان الدین و مسعود و آنچه از "حزب دیموکراتیک" باقی بود به جنایت الدین هائی چون "مزاری-خلیلی-محق" پیوستند. متجاوزین روسی هم قبل از فرار ارتش اشغالگر شان از افغانستان، هیولای بی سروپا و وحشی و خونریزی بنام "یو سیم" را که از اولین سال های تجاوز تحت تربیه و پرورش گرفته بودند،



بجان مردم افغانستان رها کردند و در چنان اوضاع و احوالی بود که جنرالان ماشینی خلقی- پرچمی و ملیشه های گلم جم مزدور و خادستان منفور، بر آتش جنگ های تنظیمی، پترول ریختند و بار دیگر کشور را نامردانه به آتش کشیدند.

"ببرک" شاید سر در پای "دوستم" جلاذ گذاشت و "نجیب" جلاذ، سر در پای "مسعود" شاید و همینگونه بود وضع صفوف کثیف و خونریز و جاسوس آن حزب منحل تا به اخیر.

جنرالان زبون خلقی- پرچمی که با یک پلان از قبل طرح شده،

جنگ های تنظیمی را به راه انداختند و تانکیست ها و پیلوت های نظامی حزب منحل خود را در اختیار جنگ سالاران تنظیمی و ملیشه ئی قرار دادند، خود راه فرار پیش گرفته و سر از اروپا و امریکا بدر آوردند و به تفرقه اندازی و سفسطه پراگنی و توطئه چینی مشغول گردیدند.

اگر کودتای منحوس هفتم ثور به وقوع نمی پیوست، کودتای ننگین و خونین هشتم ثور هم اتفاق نمی افتاد و کشور ما به مخروبه مبدل نمی گردید و ملیشه گلم جم هم سترجنرال و خالد بن ولید و مجاهد کبیر و گویا معاون رئیس جمهور نمی شد و پاکستان و ایران هم جرئت چپ نگاه کردن بسوی افغانستان نمی داشتند و یک پاده

مزدور خود را جهت تخریب افغانستان و زهرپاشی بین اقوام شریف افغانستان عزیز، مامور ساخته نمی توانست و هم افراد گم نام و مجهول الهویه نیز امروز به بلیونر های مشهور مبدل نمی شدند و تا امروز بالای خون افغان مشغول تجارت های ننگین نمی بودند.

این تخم حرام هشت ثوری ها چنان از گند آن هفت ثوری ها تغذیه کرده اند که از سر تا پای آنها تعفن میریزد. این دانه خبیثه چنان چشم سفید و دیده درآ است که سازش استقراغ آور خود را "پیروزی انقلاب اسلامی" می بیند، یا اینکه "انقلاب اسلامی" همین است و همین بوده است و همین خواهد بود!!

چه دیده درآ و تا مغز استخوان سیه کار اند این جرثومه های فساد که تمام جنایات و خونریزی ها و بربادی ها را که رقم زده اند و میزنند هنوز، در پای احمد و محمود می نویسند و هر جرم و جنایت که مرتکب شده اند، فقط یک "سوء تفاهم کوچک" بوده است و...



طور نمونه به یک گوشه از چرندیات فرد فروخته شده بنام "عبدالرحمن فرقاتی"، نظری می اندازیم تا به اثبات رسد این چوچه های گلبدین و این تخم حرام هرگز اصلاح پذیر نبوده و چشم بصیرت شان کور است. این فرد در تازه ترین تشخوار خود چنین قلم فرسائی میکند:

"... از سوی دیگر قیادت ما افغانها و اغلب جریانهای اسلامی جسورانه باید اعتراف نماید، که نه توانستند، تا **حماسه هشت ثور** را به منفعت خویش و بشریت مدیریت و حفظ نمایم و متأسفانه تا اکنون پیامدهای هفت و هشت ثور در مجموع به منفعت استعمار غرب تمام شده و ملت قهرمان افغانستان و در مجموع امت اسلامی با همه ایثار و قربانی را که درین راستا متحمل شده است از آن فیضی نه برده است..."

فاجعه شرم آور، تبنای خفت بار، سازش ننگین، تسلیمی حقاتبار، خیانت تهوع آور و جنایت خونین، یعنی **کودتای خونین و ننگین هشتم ثور** را **حماسه هشت ثور** قلمداد کردن، واقعاً از نهایت حقارت نمایندگی میکند. از یک گلبدینی نمی توان انتظار بیش از این داشت.

او با پستی و پلشتی ذاتی خود تلاش میکند جنایات و راکت پرانی ها، کشتار و ویرانی ها و از کشته های مردم مظلوم افغانستان پشته ها ساختن ها را به گونه ماست مالی کند و مردم را به خیال خام خود دنبال نخود سیاه بفرستد. او چرندیات خود را چنین ادامه میدهد:



"... همگام با شکست و سقوط امپراطوری روس موقف غرب در برابر جهان اسلام تغیر نمود، جهان اسلام ممبعد حیثیت دشمن درجه اول را برای غرب کسب نمود، نه اینکه صفت و حیثیت یک دوست و متحد را که قبل از سقوط و یا شکست روسها داشت ، داشته باشد، غرب انگیزه ایثارگری بار آمده از جهاد افغانستان را که در مسلمانان جهان احساس مبارزه با استعمار، استبداد را می آفراید، درک نموده بود، لذا بیدرنگ در جلوگیری از به میان آمدن یک

حکومت اسلامی واقعی در افغانستان پرداخت، و امکانات به میان آمدن یک حکومت واقعی اسلامی در افغانستان را که تا حدی میسر شده بود از میان برداشت و تلاش ورزید تا این آرمان مقدس مسلمانان در

افغانستان و جهان متحقق نه شود..." (مراجعه شود به سایت افغان-جرمن آنلاین)



بلی اولین اقدام غرب در زمینه دستوری بود به گماشته دیرین، یار شیرین، گماشته پشمین و رفیق گرمابه و گلستان شان، گلبدین شریر و خونریز تا کابل نازنین را زیر باران راکت خورد و خمیر کند و بهانه بیاورد موجودیت رشید دوستم و ملیشه های گلم جم در کابل و نیز موجودیت جنرالان خلقی- پرچی در ساختار حکومت تنظیمی در کابل را. اما بعد از تخریب کابل و کشتار بیش از ۶۵۰۰۰ باشندگان مظلوم و

بی گناه آن، خود در آغوش همان ملیشه ها و جنرالان زیر دار گریختگی و جنایتکار خزید و حزب خونریز و خائن خود را نیز دو دسته پیشکش رشید دوستم نمود و دمار از روزگار مردم بدر آورد. پس دیده شد که غرب به گونه های مختلف از گماشتگان خود استفاده میکند.

آیا "**حکومت واقعی اسلامی**" با باران راکت و کشتار مردم و خونریزی و جنایت به وجود می آید؟

عقل "حزب" و "گلبدین" در کجا بود؟ برهان الدین و قطب الدین و... در کدام خواب خرگوش فرو رفته بودند؟ "اسلام" کجا بود؟ مسلمانی چه شد؟ یا همین "اسلام" بود و مسلمانی و همین هم "انقلاب اسلامی" و ما خبر نداشتیم!!!
بگذریم.

کودتای هشتم ثور ۱۳۷۱، در حقیقت دنباله کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ است و ظهور و عروج طالبان هم از پیامد های شوم کودتا های هفتم و هشتم ثور است و حمله نظامی قوای اشغالگر امریکا و ناتو هم از دست آورد های کودتای هفتم ثور است.

امروز که قوای ائتلاف به رهبری امریکا فریاد مبارزه با تروریسم بین المللی را سر داده است، با چشم و سر می بینیم که وحشی ترین تروریستان شناخته شده چون ربانی و سیاف و فهیم و عبدالله و خلیلی و محقق و اکبری و گلاب زوی و رنجبر و علومی و عطا و دراز و کوتاه، همه و همه تروریستان را در مسند قدرت در افغانستان نصب نموده و با مصرف بلیون ها دالر در صدد آوردن گلبدین و گلبدین و گلریز و گل فروش و گلچین هم در این جمع نا متجانس هستند.

ایالات متحده امریکا هم هر زمان که منافع آنها ایجاب کند نه تنها جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی را زیرچتر حمایت بیدریغ خویش قرار میدهد، بلکه با دشمن دیرینه که از گل روی او کشور ما را به خاکدان سیه نشانند، یعنی روسیه شوری هم دست دوستی داده و منافع خود ها را تأمین میکنند، ولو به قیمت تجزیه و نابودی افغانستان باشد. این هم از دست آورد های شوم کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ و پیامد های ننگین آن کودتا و حاصل خیانت کودتاچیان بی آرم است.

نگ و نفرین ابدی باد بر کودتاچیان منفور و بی آرم هفتم و هشتم ثور!!!